

**شنبه 24 شهریور 1397 - 5 محرم 1440 - 15 سپتامبر 2018**

رحلت فیلسوف کبیر و عالم نامدار شیعه، حکیم "جهانگیرخان قشقایی" (1289 ش)



رحلت فیلسوف کبیر و عالم نامدار شیعه، حکیم "جهانگیرخان قشقایی" (1289 ش)

حکیم جهانگیر خان قشقایی در سال 1208 ش (1243 ق) در یکی از روستاهای اطراف شهرضا به دنیا آمد. وی در ابتدا مختصری درس خواند و علاوه بر در پیش گرفتن شاهنامه و خوانی، در نواختن تار استادی داشت. جهانگیرخان که در چهل سالگی برای تکمیل هنر نوازندگی به اصفهان رفت، ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایلی دست کشیده، در مدرسه صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. او در محضر استادانی همچون محمدرضا صهبای قمی، ملاحسینعلی تویسرکانی، ملاعبدالجواد حکیم خراسانی و شیخ محمد حسین نجفی و... به شاگردی نشست و دیری نگذشت که در حکمت، فلسفه، فقه، طب، ریاضی و نجوم و... به استادی رسید و در عرفان و اخلاق از سرآمدان روزگار خویش گردید. حکیم جهانگیرخان از آن پس به تدریس مشغول شد و در طول چهل سال شاگردان بسیاری از قبیل حضرات آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، آقاضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمد علی شاه آبادی، سید حسن مدرس، حاج آقا رحیم ارباب، علامه محمد حسین فاضل تونی، سید محمد کاظم عصار و ده‌ها حکیم و عالم فرزانه دیگر از محضرش کسب فیض کردند. جهانگیرخان دانشمندی بود که هم از علم و هم از اخلاق برخوردار بود. سراسر زندگی خود را در تجرد و قناعت زیست و هرگز جامه ایلی را به جز در هنگام نماز از تن خویش بیرون نکرد. سرانجام این حکیم وارسته و عارف و فیلسوف در بیست و چهارم شهریور 1289 ش برابر با سیزدهم رمضان 1328 ق در 83 سالگی رخ در نقاب خاک کشید و در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

دکتر عبدالحسین زرین کوب، پژوهشگر برجسته ادبیات و تاریخ، در سال 1301 ش در بروجرد به دنیا آمد. وی پس از پشت سرگذاشتن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، به خدمت معارف و فرهنگ درآمد و در سال 1327 ش، با کسب عنوان رتبه اول موفق به دریافت لیسانس و سپس فوق لیسانس و دکترا گردید. وی در این دوران از محضر استادانی نظیر محمدتقی بهار، عباس اقبال آشتیانی، احمد بهمنیار و بدیع الزمان فروزانفر استفاده برد و در خارج از دانشگاه، مدتی چند در خدمت آیت الله ابوالحسن شعرانی با مباحث حکمت و فلسفه آشنایی کامل یافت. استاد زرین کوب در سال 1330 ش، در کنار عده‌ای از دانشمندان و استادان برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایرة المعارف بزرگ اسلامی دعوت شد و همکاری شایانی نمود. وی سالیان متمادی در دانشگاه تهران تدریس نمود و مدتی مدیریت گروه ادبیات فارسی این دانشگاه را برعهده داشت. زمینه اصلی پژوهش استاد، مطالعه در تاریخ و فرهنگ اسلامی و نقد ادبی است. ایشان با تبحر در زبان فارسی و تسلط بر زبان و ادبیات عرب و آشنایی با چند زبان اروپایی و مشخصاً انگلیسی و فرانسوی، آثار پرارزشی از خود به یادگار گذاشت که تألیف فلسفه شعر، نقد ادبی در 2 جلد، شعر بی‌دروغ، از کوچه رندان و نیز ترجمه ادبیات فرانسه در قرون وسطی، متافیزیک و فن شعر و... از آن جمله‌اند. مجموعه تألیفات و پژوهش‌های استاد زرین کوب که بیش از پنجاه اثر می‌باشند نشان می‌دهد که او زندگانی علمی خود را در میان تاریخ و ادبیات و فلسفه تقسیم کرده و در واقع پیوندی بین این رشته‌ها برقرار ساخته است. استاد زرین کوب که عضو شورای مشاوران عالی کتابخانه ملی و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی بود و ماه‌های آخر عمر خویش را در تدوین آثار درباره زندگی و اندیشه‌های عطار و سعدی سپری می‌کرد، سرانجام در 24 شهریور 1378 ش در 77 سالگی بدرد حیات گفت و در قطعه فرهیختگان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

تولد "فرانسوا لاروش" فوکو نویسنده و فیلسوف فرانسوی (1613م)

پرنس فرانسوا دوک دو لاروش فوکو، فیلسوف و نویسنده فرانسوی، در 15 سپتامبر 1613م در خانواده‌ای اشرافی در پاریس به دنیا آمد. وی از دوران جوانی وارد ارتش و سیاست شد، اما پس از حضور در یکی از جنگ‌های داخلی از ارتش کناره گرفت. لاروش فوکو هم‌چنین پس از چند حضور ناموفق در عرصه سیاست، از این مقوله نیز دست کشید و در پاریس، وارد محافل ادبی شد. وی سپس نخستین اثر خود را با نام خاطرات منتشر کرد که در واقع به نوعی بررسی وقایع سال‌های میانی سده هفدهم میلادی فرانسه می‌پردازد. کتاب دیگر لاروش فوکو با عنوان تفکرات یا جگم، چنان مورد استقبال قرار گرفت که در طی ده سال آخر عمر نویسنده، چهار بار تجدید چاپ شد. این کتاب شامل بیش از پانصد حکمت و مثل است. بخشی از این حکمت‌ها نمایشگر روح بشر است که عقل حاکم بر آن از راه اصلی منحرف نمی‌شود، اما بخشی دیگر، نشان دهنده مواردی خاص از نظرهاست که برمبنای آن فقط سودجویی باعث حرکت و موتور محرکه آدمی است و البته اقدامات این گروه به صورت مخفی و با ظاهری آراسته و در عین ریاکاری انجام می‌گیرد. در این میان، با وجود برخی

مخالفت<sup>1</sup>؛ها، بسیاری از این امثال و حکم در محافل ادبی راه یافت و موجب سرگرمی گشت و اگرچه اندیشه<sup>2</sup>؛ها و نظریه<sup>3</sup>؛های نویسنده، غالباً واقعیت عواطف انسانی و ارزش حقیقی او را نادیده می<sup>4</sup>؛گرفت، قالبی که لاروش<sup>5</sup>؛فوکو برای بیان اندیشه<sup>6</sup>؛های خود برگزیده بود، به سبب به کار بردن بسیار به جا و متناسب کلمات و دقت در تکامل شیوه بیان که ثمره کار مداوم و وسواس او بود، ستایش این محافل را برانگیخت. کمتر درس انشا و شیوه نگارشی وجود داشت که مانند امثال و حکم، آموزنده باشد. در این کتاب که به کلمات قصار نیز شهرت دارد، لاروش<sup>7</sup>؛فوکو به عنوان يك فیلسوف شكاك، مطالبی عنوان کرده که برخی از آن<sup>8</sup>؛ها عبارتند از: آن کس که خود را دوست می<sup>9</sup>؛دارد چالپوس<sup>10</sup>؛ترین مردم جهان است؛ همه ما به اندازه کافی توانایی تحمل بدبختی<sup>11</sup>؛های دیگران را داریم؛ اعمال نیک ما، اغلب شدیدتر از اعمال بدمان مورد مجازات واقع می<sup>12</sup>؛شود؛ عشق و عدالت فقط ترسی است از تحمل بی<sup>13</sup>؛عدالتی<sup>14</sup>؛ها؛ اگر ما موفق شده<sup>15</sup>؛ایم که بر عواطف خود غلبه کنیم، بیشتر به سبب ضعف عواطف است تا قدرت<sup>16</sup>؛ها؛ تحمل خوش<sup>17</sup>؛بختی<sup>18</sup>؛ بیش از تحمل بدبختی<sup>19</sup>؛، نشانه فضیلت اخلاقی است و اغلب لجاجت ما ناشی از زبونی و تهوّرمان ناشی از بزدلی است. این کتاب با عنوان شکوفه<sup>20</sup>؛های جاویدان حکمت، به فارسی ترجمه شده است. فرانسوا لاروش<sup>21</sup>؛فوکو در سال<sup>22</sup>؛های پایانی عمر متحمل مصیبت<sup>23</sup>؛های پیاپی خانوادگی و بیماری شد و خود سرانجام در 17 مارس 1680م در 67 سالگی درگذشت.